

جمعه 13 دی 1398 - 7 جمادی الاول 1441 - 3 ژانویه 2020

ابلاغ پیام تاریخی امام خمینی(ره) به "گورباچف" رئیس جمهور اتحاد جماهیر شوروی (1367ش)



ابلاغ پیام تاریخی امام خمینی(ره) به "گورباچف" رئیس جمهور اتحاد جماهیر شوروی (1367ش)، به قدرت رسیدن میخائیل گورباچف در اتحاد جماهیر شوروی، موجب تحولات عظیمی در جهان کمونیسم گردید. حضرت امام خمینی(ره) بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران که ناظر جریانات مهم سیاسی بین المللی بود، از این فرصت به نحو احسن استفاده کرده و با دعوت جهان کمونیسم به اسلام، در صدد برآمدن تا خلاء به وجود آمده از فروپاشی ماتریالیسم را با جایگزینی اسلام ناب محمدی(ص) پر نمایند. به همین جهت هیأتی را به سرپرستی حضرت آیت الله جوادی آملی به مسکو اعزام داشته تا پیام کتبی معظم ره را به گورباچف در دعوت به اسلام ارایه دهند. امام خمینی(ره) در این پیام با بینشی برخاسته از مکتب وحی و فراتر از وقایع روزمره و اتفاقات سیاسی، به ترسیم این رویداد مهم پرداختند. استفاده دقیق و بهنگام از این فرصت تاریخی در جهت ابلاغ ندای فطرت و پیام توحید، بیان غنای دین مبین اسلام و آمادگی حوزه های علمیة تشیع جهت پاسخگویی به نیازهای فکری و اعتقادی نسل معاصر، برقراری رابطه معنوی و ابراز همدردی و حمایت از مسلمانان شوروی و دیگر کشورهای بلوک شرق، ایستادگی نظام جمهوری اسلامی ایران بر اصل خدشه ناپذیر نه شرقی نه غربی و مبارزه با شکل های استکبار در چهره های مختلف آن، پیش بینی شکست قطعی مارکسیسم در میدان عمل و فروپاشی نظام الحادی کمونیسم، هشدار جدی نسبت به فروغلتیدن در دام قطب دیگر استکبار جهانی و نظام سرمایه داری غرب، تحقق وعده های الهی و بازگشت نهایی جامعه انسانی به فطرت خداجوی خویش، از جمله ویژگی های و نکات برجسته این پیام است. امام خمینی(ره) در بخشی از این پیام فرمود: "برای همه روشن است که از این پس کمونیسم را باید در موزه های تاریخ سیاسی جهان جستجو کرد، چرا که مارکسیسم جوابگوی هیچ نیازی از نیازهای واقعی انسان نیست... از شما می خواهم درباره اسلام به صورت جدی تحقیق و تفحص کنید و این نه به خاطر نیاز اسلام و مسلمین به شما، که به جهت ارزش های والا و جهان شمول اسلام است."

در گذشت "نیمایه شیخ" شاعر نسلای معاصر (1338ش)، علی اسفندیاری معروف به نیمایوشیخ در سال 1276ش در روستای یوش در استان مازندران به دنیا آمد. او در مدرسه چندان موفق نبود و به تحصیلات آکادمیک اهمیتی نمی داد. انقلاب های اجتماعی سال های 1300 و 1301، نیما را به کناره گیری از مردم و زندگی در میان جنگل ها و دامان طبیعت و هوای آزاد کشاند و در آن اشعار بیشتری سرود. نیما از 1311 ساکن تهران شد و تا اواخر عمر در آن جا ماند. نیما با حرکتی که در طول زندگی خود داشت، نشان داد که از شعر و هنر، ادراکی عمیق و تازه دارد و شایستگی این را داراست که در عرصه سرشار و پر بار ادب فارسی، بنیانگذار شیوه ای نوین باشد. بنابراین نیما، شعری را وارد صحنه ادب فارسی نمود که در عین دارا نبودن قافیه و ردیف، دارای وزن و هجا بود. این سبک شعر به شعر نو و شعر نیمایی مشهور است و افراد فراوانی به پیروی از سبک او، هنر آزمایی کرده اند. شعر آزاد نیمایی تفاوت های آشکاری با شعر سنتی داشته، از لحاظ عاطفی بیشتر جنبه اجتماعی و انسانی دارد و تخیل و صور خیال هر شاعر از تجربه شخص او سرچشمه می گیرد. او از لحاظ زبان، هر کلمه ای را در شعر نو به کار می برد با این شرط که با کلمات همجوار، بیگانه و ناساز نباشد. به نظر او وزن باید تابع احساسات و عواطف شاعر باشد. نیمایوشیخ را به حق، پدر شعر نو فارسی می خوانند. از نیمایوشیخ به غیر از مجموعه اشعار، آثار دیگری به چاپ رسیده است از جمله: داستان ها، اشعار، آثار تحقیقی، یادداشت و نامه ها. نیمایوشیخ سرانجام در شانزده دی ماه 1338ش در هفتاد سالگی در تهران بدرود حیات گفت و در امامزاده عبدالله تهران به خاک سپرده شد. سی و چهار سال بعد، در دی ماه 1372، به همت مردم نور و یوش، پیکر نیمایوشیخ از امامزاده عبدالله تهران به زادگاهش، یوش منتقل شد و در آن جا مدفون گردید.

آدم، جلال الدین، همایه، ادیب، شاعر و استاد زبان و ادبیات فارسی، (1278ش)، در سال ۱۲۷۸ در اصفهان زاده شد. پدرش میرزا ابوالقاسم محمدنصیر متخلص به طرب و جدش ملا محمدرضا همای شیرازی هر دو از شعرا و دانشمندان معروف عصر خود بودند. جلال الدین تحت نظارت پدر دانشمند خود و در خانواده ای که کلیه اعضای آن اهل خط و قلم بودند رشد یافت و از اوان کودکی ملزم به فراگیری ادبیات عرب و حکمت و فلسفه شد. در سن ده سالگی منشآت قائم مقام فراهانی، منشآت فرهاد میرزا و منشآت امیر نظام و تاریخ معجم را نزد میرزا عبدالغفار و شاهنامه فردوسی، کلیات سعدی، منتخب قانانی و غزلیات محمد خان دشتی را در نزد پدر مطالعه کرد و به اطلاعات فراوانی دست یافت. همایی از سن یازده سالگی به مدت بیست سال در مدرسه نماورد از مدارس قدیم و معروف اصفهان که مرکز دانش و فرهنگ این شهر بود به کسب علوم اسلامی پرداخت. جلال طی این سالها ادبیات عرب، فقه، اصول، تفسیر، درایه، رجال، هیئت، نجوم، استخراج تقویم، فنون ریاضی، طب و فلسفه را در نزد بزرگ ترین علما و روحانیون ایران فراگرفت و خود نیز مدتی مدرس

استقلال کاما. "نیکاراگوئه" در امریکای مرکزی (1838م). تاریخ نیکاراگوئه مانند سایر جمهوری‌ها؛ rlm&های امریکای مرکزی کشور جمهوری نیکاراگوئه در امریکای مرکزی واقع است. تاریخ نیکاراگوئه مانند سایر جمهوری‌ها؛ rlm& در سال 1821م به دنبال با دوران طولانی سلطه اسپانیا که قریب سه قرن به طول انجامید، آغاز می‌شود. در سال 1821م به دنبال ناآرامی‌ها؛ rlm& در اسپانیا، نیکاراگوئه نیز مانند سایر کشورهای امریکای لاتین، استقلال خود را اعلام کرد و سلطه اسپانیا بر این منطقه در نیمه سپتامبر آن سال پایان پذیرفت. نیکاراگوئه سپس با مکزیک متحد شد و به فدراسیون امریکای مرکزی پیوست. این فدراسیون در سال 1838م منحل شد و نیکاراگوئه در سوم ژانویه این سال به استقلال کامل دست یافت. (ر.ک: 15 سپتامبر)

بزرگ‌ترین حوزه‌های علمی و ادبی اصفهان بود. جلال‌الدین همایی در سال ۱۳۰۰ به نظام آموزشی جدید پیوست و ابتدا به تدریس در مدرسه صرمیه اصفهان پرداخت. سپس در سال ۱۳۰۷ به تهران آمد و از طرف وزارت معارف وقت عهده دار تدریس فلسفه و ادبیات در تبریز گردید. همایی در سال ۱۳۱۰ به تهران منتقل شد و در دارالفنون، دبیرستان نظام و دانشکده افسری به تدریس ادبیات پرداخت. وی پس از تأسیس دانشگاه تهران به این دانشگاه دعوت شد و سالها در دوره دکتري دانشکده های حقوق و ادبیات تدریس کرد و مدتی نیز عضو فرهنگستان ایران بود. استاد همایی دو دوره نیز به دعوت دانشگاه‌های بیروت و لاهور در این دانشگاهها تدریس نمود که با استقبال محافل علمی این کشورها مواجه شد. در سال ۱۳۵۶ دانشگاه تهران مراسم بزرگداشت این استاد بزرگ تاریخ و فرهنگ ایران را برگزار کرد و در این مراسم نسخه ای از کتاب همایی نامه که به قلم همکاران و ارادتمندان استاد تهیه شده بود به او تقدیم گردید. جلال‌الدین همایی علاوه بر تألیف و تصحیح کتب متعدد شعر هم می‌سرود و بیش از پانزده هزار بیت او در دیوانی گردآوری شده است. از مشهورترین اشعار او مسجد کبود است که در وصف مسجد کبود تبریز و اظهار تأسف از ویرانی آن سروده است.